

إعرف الحق تعرف أهله

۲۲

سلسله پژوهش های اعتقادی

احادیث ساختگی

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بسم الله الرحمن الرحیم

سلسله پژوهش های اعتقادی

نویسنده:

علی الحسینی المیلانی

ناشر چاپی:

مرکز حقایق اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث ساختگی المجلد ۲۲

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶ -
عنوان قراردادی: الاحادیث الوارده فی الخلفاء علی ترتیب الخلافه. فارسی
عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به احادیث ساختگی در ترتیب خلفا و فضایل آنها/ علی حسینی‌میلانی.؛ ترجمه ویرایش هئیت تحریریه مرکز حقایق اسلامی.
مشخصات نشر: قم: الحقایق، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۱۰۴ص.؛ رقعی
فروست: سلسله پژوهش‌های اعتقادی؛ ۲۲.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۴۸-۳۰-۹
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: خلفای راشدین-- احادیث اهل سنت
موضوع: خلفای راشدین -- فضایل.
شناسه افزوده: مرکز الحقائق الاسلامیه
رده بندی کنگره: BP۲۸/۸/ح۵۴الف۳۰۴۱ ۱۳۹۰
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۴۶
شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۷۱۹۱۱

سرآغاز ... ص: ۹

...آخرین و کامل‌ترین دین الاهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمّد مصطفی صلّی اللَّه علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الاهی با نبوّت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکّه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلّی اللَّه علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیرهٔ العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الاهی در هجدهم ذی الحجّه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منّان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الاهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دینِ مورد

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۱۰

پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلّی اللَّه علیه وآله،- با توطئه‌هایی از پیش مهیّا شده- مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیّر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس‌های شیطانی، حقایق

اسلام را- که همچون آفتاب جهان‌تاب بود- پشت ابرهای سیاه شکّ و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه‌ها، حقایق اسلام و سخنان دُرَرْبار پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله، توسّط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه‌ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی‌ها، شبهه‌ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته‌اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سیّد مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علّامه حلّی، قاضی نوراللَّه، میر حامد حسین، سیّد شرف‌الدین، امینی و ... همچون ستارگانی پرفروز می‌درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۱۱

واقعیّات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ گویی شبهات پرداخته‌اند...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رَسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت اللَّه سیّد علی حسینی میلانی، می‌باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقّق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظّمٌ له، آن‌ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظّمٌ له است که اینک "فارسی زبانان "را با حقایق اسلامی آشنا می‌سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیّهٔ اللَّه الأعظم، حضرت ولیّ عصر، امام زمان عجل اللَّه تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۱۵

الحمد للَّه ربّ العالمین والصّلاهٔ والسلام علی سیّدنا محمّد وآله الطاهرین، ولعنهٔ اللَّهِ علی أعدائهم أجمعین من الأوّلین والآخرین.

در یکی از پژوهش‌های خود پیرامون روایتی چنین آوردم:

تمامی احادیثی که درباره مناقب خلفا آمده و اسامی آن‌ها را به ترتیب، بیان می‌دارند، بی‌تردید جعلی و ساختگی هستند.

برخی خوانندگان فاضل، از من خواستند که از طریق تحقیق در سندهای مختلفِ این قبیل احادیث- که در صحاح ششگانه و کتاب‌های معتبر یافت می‌شوند- این مطلب را اثبات نمایم.

بنابراین، به نگارش کتاب پیش رو همّت گماشتم. در حین تحقیق متوجّه شدم که نه تنها اخبار موجود در بخش فضایل؛ بلکه تقریباً همه احادیث این چنینی در تمامی ابواب، جعلی و ساختگی هستند؛ حتی

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۱۶

احادیثی که در آن‌ها آمده که پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله می‌فرمود: من به همراه ابوبکر، عمر و عثمان آمدم ... من به همراه ابوبکر، عمر و عثمان بیرون رفتم ... ابوبکر، عمر و عثمان کجا هستند...

در این احادیث، گاهی پس از نام ابوبکر، عمر و عثمان، نام «علی علیه السلام» نیز مورد اشاره قرار گرفته و گاهی اشاره‌ای به آن حضرت نشده است. در برخی موارد نام «علی علیه السلام» پیش از عثمان ذکر شده، اما به هر حال، نام ابوبکر و عمر، پیش از نام علی علیه السلام و عثمان آمده است!

جالب‌تر این که حدیثی را یافتم که دروغ‌گویان طی آن، چنین عبارت‌هایی را از زبان امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل کرده‌اند تا

آن حضرت را معترف به فضایل خلفا نشان دهند و هیچ کس نتواند به مضمون حدیث، اعتراض نماید!

برای نمونه حدیثی را که بخاری و مسلم با دو سند متفاوت نقل کرده‌اند، ملاحظه کنید! بخاری می گوید: ولید بن صالح از عیسی بن یونس از عمر بن سعید بن ابی الحسین مکّی از ابن ابی ملیکه از ابن عباس...

و مسلم نیز می گوید: سعید بن عمرو اشعثی، ابوالربیع عتکی

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۱۷

و ابوکریب محمد بن علاء (عبارت از ابوکریب است) «۱» از ابن مبارك از عمر بن سعید بن ابی حسین نقل می کند که ابن ابی ملیکه می گوید: از ابن عباس شنیدم که می گفت:

وقتی عمر بن خطّاب را در تابوت گذاشتند، مردم پیرامون او جمع شده بودند و پیش از آن که تابوت از زمین برداشته شود برایش دعا می کردند، فضایلش را می گفتند و بر او درود می‌فرستادند.

من نیز در میان آن‌ها بودم، ناگاه مردی از پشت، کتف مرا گرفت.

به عقب برگشتم دیدم علی است.

او نیز برای عمر، طلب رحمت کرد و خطاب به او گفت: کسی را بعد از خودت باقی نگذاردی تا من آرزوی آن را داشته باشم که با اعمالی همانند اعمال او خدا را ملاقات کنم. به خدا سوگند، فکر می کنم که خداوند تو را نزد دو هم صحبتت (پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله «۲»

و ابوبکر) قرار می‌دهد؛ چرا که این عبارات را بسیار از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله

---

(۱). گفتنی است ابوالربیع می گوید: برای ما روایت کرده‌اند؛ ولی این دو نفر اخیرمی گویند: به ما خبر داد

(۲). به رغم این که در منابع اهل سنّت درود و صلوات پس از نام مبارك‌پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله به صورت ناقص (ابتر) آمده است، ما طبق فرمایش حضرتش، درود و صلوات را به صورت کامل آورده‌ایم

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۱۸

می‌شنیدم که می گفت: «من به همراه ابوبکر و عمر آمدم، من به همراه ابوبکر و عمر داخل شدم، من به همراه ابوبکر و عمر خارج شدم».

بنابراین امیدوارم- یا گمان می کنم- که خداوند تو را همراه آن دو قرار دهد. «۱» غیر از بخاری و مسلم، برخی دیگر هم‌چون ابن ماجه این حدیث را آورده‌اند. ابن ماجه این حدیث را به سند خود از عمر بن سعید، از ابن ابی ملیکه، از ابن عباس، روایت کرده است.

اما باید گفت که این حدیث جعلی است و امیر مؤمنان علی علیه السلام چنین سخنی را برزبان نرانده است؛ زیرا «ابن ابی ملیکه» که محور راویان این حدیث است، از بزرگ‌ترین دشمنان حضرت علی و اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌آید تا آن جا که قاضی و مؤذّن عبداللَّه بن زبیر بوده است. «۲» ذکر این نکته ضروری است که استدلال ما به این دسته روایات از باب الزام مخالف است.

---

(۱). صحیح بخاری: ۳/ ۱۳۴۵ کتاب فضائل الصحابه، باب قول النبی صلّی اللَّه علیه وآله: لو کنت متّخذاً خلیلًا، حدیث ۳۴۷۴، صحیح مسلم: ۵/ ۱۲ کتاب فضائل الصحابه، باب من فضائل عمر، حدیث ۲۳۸۹

(۲). تهذیب التهذیب: ۵/ ۲۷۲

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۱۹

از خداونـد متعـال می‌خـواهیم کارهـای مـا را برای حضـرتش خـالص گردانـد و به مـا در رسـیدن به حق و پیروی از آن، توفیق عطا فرماید؛ چرا که او نیکوکار و مهربان است.

سید علی حسینی میلانی

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۲۱

مژده بهشت به سه خلیفه ... ص: ۲۱

اشارهٔ

اهل سنّت احادیثی را از پیامبر خـدا صـلی اللَّه علیه وآله نقل می‌کنند که در آن‌ها به فضایل و برتری‌های خلفا اشاره شده و آن‌ها را به ترتیب بیان می‌کنند. اینک به ۱۴ حدیث اشاره می‌کنیم و آن‌ها را بررسی و نقد می‌نماییم. نخستین حدیث از بخاری است.

بخاری در صحیح چنین نقل می‌کند:

ابوالحسن محمد بن مسـکین، از یحیی بن حسّان، از سـلیمان، از شـریک بن ابی نمر نقل می‌کند که سعید بن مسیب گوید: ابوموسی اشعری به من گفت:

روزی در خانه‌ام وضو گرفتم و آن گاه بیرون رفتم و با خود گفتم:

امروز ملازم رسول خـدا صـلی اللَّه علیه وآله خواهم شد و این روز را با ایشان سپری خواهم کرد. از این رو به مسـجد آمدم و سـراغ پیامبر صلی اللَّه علیه وآله را گرفتم.

گفتند: از مسجد خارج شد و به این سمت رفت.

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۲۲

مـن نیز در پی او از مسـجد خـارج شـدم و سـراغ او را گرفتم تـا این که وارد آب انبـار «أریس» شـد. درِ این آب انبـار از شاخه‌هـای بی‌برگ نخل درست شـده بود، من کنار در آن نشسـتم تا این که رسول خدا صـلی اللَّه علیه وآله قضای حاجت کرد و وضو گرفت. من به سوی او رفتم و دیـدم در وسـط دیواره آب انبـار أریس نشسـته است، و لباسـش را تـا ساق‌هایش بالا زده و پاهایش را در چاه آب آویزان کرده است. به ایشان سـلام کردم و بازگشـتم و کنار در نشسـتم و با خود گفتم: امروز دربان رسول خـدا صـلی اللَّه علیه وآله خواهم شد.

پس از اندک زمانی ابوبکر آمد و در را هُل داد. گفتم: کیستی؟!

گفت: ابوبکر.

گفتم: درنگ کن!

سپس به نزد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله رفتم و گفتم: ای رسول خدا! ابوبکر کسب اجازه می‌کند.

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود: به او اجازه بده و او را به بهشت مژده ده.

جلو آمدم و به ابوبکر گفتم: وارد شو، رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله تو را به بهشت مژده می‌دهد.

ابوبکر وارد شد، در سمت راست رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بر

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۲۳

روی دیواره چاه نشست و هم‌چون رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله لباسش را تا ساق‌هایش بالا زد و پاهایش را در چاه آویزان کرد. آن گاه بازگشـتم و کنار در نشسـتم تا برادرم (ابوبکر) وضو بگیرد و به من ملحق شود. با خود گفتم: اگر خداونـد، به فلانی- منظور

برادرش عمر است- خیر بخواهد او را می‌آورد. ناگاه دیدم یکی در را تکان می‌دهد.

گفتم: کیستی؟!

گفت: عمر بن خطّاب.

گفتم: درنگ کن!

سپس به نزد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله آمدم، به او سلام کردم و گفتم: عمر بن خطّاب اجازه می‌خواهد.

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود: به او اجازه بده و او را به بهشت مژده ده.

آمدم و به عمر گفتم: وارد شو، رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله تو را به بهشت، مژده داد.

عمر وارد شد، در سمت چپ پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله، بر روی دیواره چاه نشست و پاهایش را در چاه، آویزان کرد.

سپس باز گشتم و کنار در نشستم و با خود گفتم: اگر خداوند، خیر فلانی را بخواهد او را می‌آوَرَد. در این هنگام دیدم شخصی، در را

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۲۴

تکان می‌دهد.

گفتم: کیستی؟!

گفت: عثمان بن عَفّان.

گفتم: درنگ کن!

آن گاه به نزد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله رفتم و موضوع را به وی اطلاع دادم.

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود: به او اجازه بده و او را به خاطر مصیبتی که گریبان گیرش می‌شود به بهشت، مژده ده.

کنارِ در آمدم و به عثمان گفتم: وارد شو، رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله تو را به خاطر مصیبتی که دامنگیرت می‌شود به بهشت مژده داد.

عثمان وارد شد و دید که دیواره چاه، پر شده است، از این رو در طرف دیگر که مقابل دیواره قرار داشت، نشست.

شریک می‌گوید: سعید بن مسیب گفت: من این گونه نشستن (رسول خدا، ابوبکر، عمر و عثمان) را بر چگونگی قرار گرفتن قبرهای آنان حمل کردم. «۱» مسلم نیشابوری نیز این روایت را به همین سند و با همین متن

---

(۱). صحیح بخاری: ۳/ ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴، کتاب فضائل الصحابه، باب قول النبی صلّی اللَّه علیه وآله: لو کنت متخذاً خلیلًا، حدیث ۳۴۷۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۲۵

آورده است. «۱» همین حدیث را بخاری با سند دیگر از یوسف بن موسی، از ابواسامه، از عثمان بن غیاث، از ابوعثمان نهدی، از ابوموسی نقل کرده است. «۲» مسلم نیز این حدیث را با سند از محمد بن مثّنی عنزی، از ابن ابی عدی، از عثمان بن غیاث، از ابوعثمان نهدی، از ابوموسی اشعری روایت کرده است. «۳» علاوه بر بخاری و مسلم، برخی دیگر نیز به بیان این حدیث پرداخته‌اند ...

بررسی راویان حدیث ... ص: ۲۵

اینک راویان این حدیث ساختگی را بررسی می‌نماییم و به شرح حال آنان می‌پردازیم.

(۱). صحیح مسلم: ۵/ ۲۰ و ۲۱ کتاب فضائل الصحابه، باب من فضائل عثمان بن عفّان، ذیل حدیث ۲۴۰۳

(۲). صحیح بخاری: ۳/ ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ کتاب فضائل الصحابه، بخش فضائل عمر بن خطاب، حدیث ۳۴۹۰

(۳). صحیح مسلم: ۵/ ۱۹ و ۲۰ کتاب فضائل الصحابه، باب من فضائل عثمان بن عفان، حدیث ۲۴۰۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۲۶

شریک بن ابی نمر ... ص: ۲۶

یکی از راویان این سند، شریک بن ابی نمر است، گرچه ابن معین درباره شریک گفته: روایات او قابل قبول است؛ اما دیگر راوی شناسان اهل سنّت او را نپذیرفته‌اند.

برای نمونه در مورد دیگری ابن معین و نسائی گفته‌اند: شریک از نظر نقل حدیث قوی نیست.

ابن عدی می‌گوید: اگر راوی مورد اعتمادی از او روایت کند، او نیز مورد اعتماد خواهد بود.

یحیی بن سعید که یکی از راویان حدیث است از او روایت نقل نمی‌کرد.

ساجی درباره او می‌گوید: شریک قَدَری مذهب بوده است.

ابن حزم او را به خاطر نقل حدیث معراج، ضعیف شمرده است.

ذهبی بعد از نقل حدیث این گونه اظهار نظر کرده: این حدیث از عجایب صحیح بخاری است. «۱»

(۱). میزان الاعتدال: ۳/ ۳۷۲، تهذیب التهذیب: ۴/ ۳۰۸

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۲۷

عثمان بن غیاث ... ص: ۲۷

عثمان بن غیاث از جمله راویان سند دوم است که راوی شناسان او را نیز نپذیرفته‌اند.

دوری به نقل از ابن معین می‌گوید: یحیی بن سعید، احادیث او در مورد تفسیر را، ضعیف دانسته است.

علی بن مدینی می‌گوید: از یحیی- یعنی قطّان- شنیدم که می‌گفت: عثمان بن غیاث، کتاب‌هایی از عکرمه در اختیار دارد؛ اما صحّت آن‌ها را برای ما تأیید نکرده است.

آجری از ابوداوود نقل می‌کند که عثمان بن غیاث را جزء مرجئه «۱» بصره دانسته است.

احمد می‌گوید: وی طرفدار دیدگاه مرجئه بوده است. «۲»

ابواسامه ... ص: ۲۷

گفتنی است که بخاری این روایت را از ابواسامه (همان حمّاد بن اسامه) به نقل از عثمان بن غیاث ذکر کرده است.

این راوی نیز مورد خدشه واقع شده است. ازدی به نقل از معیطی

(۱). مُرجِئه: گروهی از مسلمانان بودند که می‌گفتند: با ایمان هیچ گناهی ضرر نرساند

(۲). تهذیب التهذیب: ۷/ ۱۲۹- ۱۳۰، میزان الاعتدال: ۵/ ۶۵

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۲۸

می گوید: ابواسامه بسیار تدلیس می کرد، اما بعدها این کار را ترک نمود.

ابن سعد درباره ابواسامه می گوید: وی تدلیس می کند و تدلیس او روشن است.

در مورد اسامه، از سفیان ثوری این گونه نقل شده است:

من در شگفتم که چگونه احادیث ابواسامه، جایز شمرده می‌شود و حال آن که حال او معلوم بود و در سرقت احادیثِ خوب، بر همه پیشی می گرفت.

آجری از ابوداوود نقل می کند که وکیع گفت: ابواسامه کتاب‌هایش را زیر زمین پنهان کرده بود، از این رو من او را از عاریه گرفتن کتاب باز داشتم. «۱»

---

(۱). میزان الاعتدال: ۲/ ۳۵۷، تهذیب التهذیب: ۳/ ۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۲۹

دیدار در خانه ... ص: ۲۹

اشارهٔ

دومین حدیث ساختگی را از مسلم نیشابوری نقل می کنیم.

مسلم در صحیح خود این گونه نقل می کند:

عبدالملک بن شعیب بن لیث بن سعد، از پدرش، از پدربزرگش، از عقیل بن خالد، از ابن شهاب، از یحیی بن سعید بن عاص، از سعید بن عاص نقل می کند که عایشه همسر رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله و عثمان این گونه گفتند:

روزی پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله روانداز عایشه را به تن کرده و بر روی بستر خود استراحت می کرد. در این هنگام ابوبکر اجازه خواست تا نزد رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله بیاید.

رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله در همان حالت به ابوبکر اجازه ورود داد. ابوبکر کارش را با پیامبر در میان گذاشت و پیامبر حاجت او را روا ساخت و رفت.

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۳۰

آن گاه عمر اجازه ورود خواست. پیامبر صلی اللّٰه علیه وآله با همان حالت به او اجازه داد. عمر نیز کارش را با پیامبر در میان گذاشت و پیامبر حاجت او را روا ساخت و رفت.

عثمان می گوید: آن گاه من از پیامبر اجازه خواستم. پیامبر نشست و به عایشه گفت: لباست را مرتب کن!

من کارم را با رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله در میان گذاشتم و پیامبر حاجت مرا روا ساخت و خارج شدم.

در این هنگام عایشه گفت: ای رسول خدا! چرا خود را برای دیدار با عثمان آماده کردید، ولی برای دیدار با ابوبکر و عمر، خود را آماده نکردید؟!

رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله فرمود: عثمان، مرد باحیایی است و اگر در همان حالت به او اجازه ورود می‌دادم، بیم آن می‌رفت که کارش را با من در میان نگذارد. «۱»

بررسی راویان حدیث ... ص: ۳۰

راویان این حدیث ساختگی نیز به بررسی نیاز دارد؛ چرا که رجال شناسان درباره آن‌ها دیدگاه متفاوتی دارند.

(۱). صحیح مسلم: ۵/ ۱۸– ۱۹، کتاب فضائل الصحابه، باب من فضائل عثمان بن عفّان، حدیث ۲۴۰۲

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۳۱

عقیل بن خالد ... ص: ۳۱

یکی از راویان این سند عقیل بن خالد است. هر چند ابوحاتم درباره او می گوید: عقیل بن خالد حافظ حدیث نبود، صاحب کتاب و راستگو بود؛ اما ماجشون درباره او می گوید: عقیل، پاسبان بوده است.

ذهبی می گوید: گفته‌اند که عقیل والی ایله (یکی از شهرهای شام) بوده است.

یحیی قطّان عقیل را در نقل حدیث ضعیف می‌دانست. «۱»

زهری ... ص: ۳۱

در این سند، نام «ابن شهاب»؛ یعنی «زهری» نیز به چشم می‌خورد. وی از مشهورترین افرادی است که از راه امیر مؤمنان علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام منحرف شده بود و از آنان بدگویی می کرد و به منظور کاستن از شأن آنان و بیان برتری دیگران و مقدّم داشتن دیگران بر اهل بیت علیهم السلام، حدیث جعل می کرد.

ابن ابی الحدید در این زمینه می‌نویسد:

زهری از جمله افرادی است که از راه امیرالمؤمنین علیه السلام منحرف شده بود. جریر بن عبدالحمید روایت می کند که محمد بن

(۱). میزان الاعتدال: ۵/ ۱۱۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۳۲

شیبه می گوید: روزی به مسجد مدینه رفتم، ناگاه دیدم که زهری و عروهٔ بن زبیر نشسته‌اند و سخن از علی علیه السلام به میان آورده و از آن حضرت بدگویی می کنند.

این خبر به گوش علی بن الحسین علیه السلام رسید؛ از این رو به نزد آن دو رفت، بالای سرشان ایستاد و فرمود: ای عروه! پدرم از پدرت به خدا شکایت برد و خداوند به نفع پدرم و به زیان پدرت، حکم کرد. و اما تو ای زهری! اگر در مکّه بودم جایگاه پدرت را به تو نشان می‌دادم.

ابن ابی الحدید می‌افزاید: عاصم بن ابوعامر بجلی از فرزند عروه نقل می کند که یحیی بن عروه می گفت: هر گاه پدرم از علی نام می‌بُرد، از او بدگویی می کرد. «۱» ابن عبدالبرّ نیز درباره زهری این گونه اظهار نظر می کند: معمر در کتاب جامع خود به نقل از زهری می‌نویسد: زید بن حارثه نخستین کسی است که اسلام آورد.

عبدالرزاق درباره این سخن می گوید: غیر از زهری هیچ کس چنین ادّعایی نکرده است. «۲» معنای سخن بالا این است که زهری دروغ گفته است؛ زیرا

(۱). شرح نهج البلاغه: ۴/ ۱۰۲

(۲). الاستیعاب: ۲/ ۱۱۷، شرح حال زید بن حارثه

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۳۳

امیر مؤمنان علی علیه السلام نخستین کسی بود که اسلام آورد، اما زهری می‌خواست این منقبت و فضیلت را انکار یا پنهان کند.

از این گذشته، دشمنی زهری با اهل بیت علیهم السلام به جایی رسید که باعث شد از زبان عمر بن سعد بن ابی وقاص نیز به نقل روایت بپردازد! ذهبی در این باره می‌نویسد:

عمر بن سعد بن ابی وقاص به نقل از پدرش و ابراهیم و ابواسحاق نیز به نقل از عمر سعد نقل روایت کرده‌اند. زهری و قتاده به طور مرسل از عمر سعد روایت کرده‌اند.

ابن معین می‌گوید: چگونه قاتل حسین علیه السلام می‌تواند فردی ثقه و مورد اعتماد باشد؟! «۱» باید گفت که زهری از حامیان، کارگزاران و تقویت کنندگان پنهان حکومت اموی بوده است تا جایی که شیخ محدّث، عبدالحقّ دهلوی در کتاب رجال المشکاة، در شرح حال او می‌نویسد:

زهری به واسطه هم‌نشینی با امرا، دستخوش ضعف ایمان شده بود. علما و پارسایانِ نزدیک به وی، بر او خرده می‌گرفتند و زشتی هم‌نشینی با امرا را به او گوشزد می‌کردند.

زهری همواره می‌گفت: من در خیر آن‌ها شریکم و از شرّشان

---

(۱). الکاشف: ۲/ ۳۰۱، شرح حال عمر بن سعد

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۳۴

دوری می‌گزینم!

علما و پارسایان به او می‌گفتند: آیا عقاید و کردار باطل آن‌ها را نمی‌بینی و سکوت می‌کنی؟!

ابن خلّکان می‌گوید: زهری به ملازمت خود با عبدالملک ادامه داد و پس از او نیز ملازم هشام بن عبدالملک بود. یزید بن عبدالملک برای داوری و قضاوت از او کمک می‌گرفت. «۱» به همین جهت است که ابن معین به بدگویی از زهری پرداخته است، حاکم نیشابوری به نقل از ابن معین می‌گوید: بهترین سندها آن است که اعمش از ابراهیم، از علقمه، از عبداللّه نقل روایت کرده است.

شخصی به ابن معین گفت: اعمش نیز همانند زهری است.

ابن معین گفت: تو اعمش را با زهری یکی می‌دانی؟! زهری در پی پست و مقام است و برای امویان کار می‌کند؛ اما اعمش، فقیری شکیبا و پارسایی عالم به قرآن است و از سلاطین دوری می‌کند. «۲» به همین جهت امام زین العابدین علیه السلام، نامه‌ای نصیحت آمیز به زهری نوشت، او را به خدا و جهان آخرت متذکّر شد و آثار سوء زندگی در کاخ سلاطین را به او گوشزد کرد. در بخشی از این نامه آمده است:

---

(۱). وفیات الاعیان: ۴/ ۱۷۸، شرح حال زهری

(۲). تهذیب التهذیب: ۴/ ۲۰۴، شرح حال اعمش

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۳۵

...واعلم أنّ أدنی ما کتمت وأخفَّ ما احتملت أن آنستَ وحشةَ الظالم، وسهّلتَ له طریق الغیّ ... أو لیس جعلوک قطباً أداروا بک رحی مظالمهم، وجسراً یعبرون علیک إلی بلایاهم، وسُلّماً إلی ضلالتهم، داعیاً إلی غیّهم، سالکاً سبیلهم...

إحذر، فقد نُبِّئت؛ وبادر، فقد أُجِّلت ... ولا تحسب أنّی أردت توبیخک بدعائه إیّاک وتعنیفک وتعییرک، لکنّی أردت أن ینعش اللّه

ما [قد] فات من رأيك، ويردّ إليك ما عزب من دينك...

أما ترى ما أنت فيه من الجهل والغرّة، وما الناس فيه من البلاء والفتنة...؟!

أمّا بعد فأعرض عن كلّ ما أنت فيه حتى تلحق بالصالحين الّذين دُفنوا فى أسمالهم، لا صقةً بطونهم بظهورهم...

مالك لا تنتبه من نعستك؟! وتستقيل من عثرتك! فتقول: واللّه ما قمتُ للّه مقاماً واحداً ما أحييت به له ديناً، أو أمَتُّ له فيه باطلًا؛... «۱»

...بدان كه دل نگرانى ستمگر را به آسودگى تبديل كرده‌اى و راه

---

(۱). تحف العقول عن آل الرسول: ۲۷۴- ۲۷۷، إحياء العلوم: ۲/ ۱۴۳

سلسله پژوهش هاى اعتقادى، احاديث‌ساختگى، ص: ۳۶

گمراهى را براى او آسان ساخته‌اى و اين كمترين كتمان و سبك‌ترين بارى است كه بر دوش خود نهاده‌اى...

آيا آنان تو را به محور آسياب ستم‌هاى خويش تبديل نكرده‌اند؟

آيا از تو پلى نساخته‌اند كه محل گذار آنان به مصيبت‌هايشان باشد؟

آيا تو را به عنوان نردبان گمراهى، مبلّغ ضلالت و گمراهى و رهرو طريق خود مورد استفاده قرار نداده‌اند...؟

به هوش باش كه تو را خبر دادم و شتاب كن كه تأخير كرده‌اى ... گمان مبر كه با اين سخنان، در پى توبيخ، نكوهش و طعنه زدن به تو هستم؛ بلكه مى‌خواهم كه خداوند، نظرات نادرست تو را جبران نمايد و آن چه را كه از دينت رخت بر بسته به تو باز گرداند ...

آيا جهل و فريفتگى خود را نمى‌بينى؟!

آيا مردمِ مبتلا به مصيبت‌ها و فتنه‌ها را مشاهده نمى‌كنى...؟!

اما بعد، از همه آن چه در آن قرار دارى روى بگردان تا به درستكاران بپيوندى؛ درستكارانى كه در جامه‌هاى كهنه خود به خاك سپرده شده‌اند و شكم‌هايشان به پشتهايشان چسبيده است...

چرا از خواب (غفلت) بيدار نمى‌شوى؟!

چرا دست از لغزش برنمى‌دارى با اين كه مى‌گويى:

به خدا سوگند! هيچ گاه براى خدا به پا نخاسته‌ام تا دين او را زنده كنم و يا باطلى را به خاطر او نابود سازم...

سلسله پژوهش هاى اعتقادى، احاديث‌ساختگى، ص: ۳۷

سخنی با کوه حرا ... ص: ۳۷

اشارة

سومين حديث ساختگى را مسلم در صحيح خود، در بخش فضايل طلحه و زبير آورده است. وى مى‌نويسد:

عبيداللّه بن محمد بن يزيد بن خنيس و احمد بن يوسف ازدى، از اسماعيل بن ابواويس، از سليمان بن بلال، از يحيى بن سعيد، از سهيل بن ابوصالح، از پدرش نقل مى‌كند كه ابوهريره مى‌گويد:

روزى رسول خدا صلى اللّه عليه وآله كه در كوه حرا بود، ناگاه كوه حركت كرد. پيامبر خدا صلى اللّه عليه وآله فرمود: اى كوه حرا! آرام باش! روى تو جز پيامبر، يا صدّيق و يا شهيدى قرار ندارد.

روی کوه حرا پیامبر صلی اللَّه علیه وآله، ابوبکر، عمر، عثمان، علی، طلحه، زبیر و سعد بن ابی وقاص بودند. «۱»

(۱). صحیح مسلم: ۵/ ۳۳ و ۳۴، کتاب فضائل الصحابه، باب من فضائل طلحه و زبیر، ذیل حدیث ۲۴۱۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۳۸

بررسی و نقد حدیث ... ص: ۳۸

در این حدیث، اسامی خلفا به ترتیب خلافت از زبان پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله ذکر نشده است؛ ولی ما از دو جهت به بیان آن پرداختیم:

نخست آن که مسأله ترتیب اسامی خلفا در قالب الفاظی دیگر در همین حدیث، از زبان پیامبر صلی اللَّه علیه وآله جعل شده است.

دوم آن که این حدیث- علاوه بر اثبات ترتیب- در پی آن است که از زبان پیامبر صلی اللَّه علیه وآله، صفت «صدّیق» را به ابوبکر و صفت «شهید» را به همه افراد بعدی، نسبت دهد؛ اما باید گفت که این حدیث، از دو جهت جعلی و ساختگی است: نخست متن حدیث و دیگری سند آن.

۱. متن حدیث

با صرف نظر از ذکر عنوان شهید برای این افراد- جز امیر مؤمنان علی علیه السلام- بیان این نکته ضروری است که سعد بن ابی وقّاص در قصر خود به مرگ طبیعی از دنیا رفت! به همین جهت در صحیح مسلم، در حدیثِ قبل از این حدیث، به نام سعد اشاره‌ای نشده است که خود نکته‌ای در خور تأمّل است؛ ولی برخی برای اصلاح معنای حدیث گفته‌اند: سعد بن ابی وقّاص در اثر ابتلا به طاعون

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۳۹

درگذشت و هر کس در اثر این بیماری از دنیا برود شهید به شمار می‌رود! «۱» ۲. سند حدیث

در بررسی راویان این حدیث، با چشم پوشی از بررسی راویان دیگر فقط نگاه کوتاهی به شرح حال اسماعیل بن ابواویس داریم که راوی شناسان درباره او اظهارات متفاوتی دارند.

نسائی درباره اسماعیل می‌گوید: او در نقل حدیث ضعیف است. «۲» یحیی بن معین می‌گوید: اسماعیل و پدرش به سرقت حدیث می‌پردازند.

دولابی نیز در بحث راویانی که از نظر نقل حدیث ضعیف‌اند می‌گوید: از نضر بن سلمه مروزی شنیدم که می‌گفت: اسماعیل بن ابواویس، بسیار دروغ‌گوست.

ذهبی پس از نقل این سخن می‌گوید: ابن عدی از زبان اسماعیل، به نقل سه حدیث پرداخت و گفت: وی از زبان دایی خود مالك،

(۱). ر. ك: الشفاء و شرح آن، نسیم الریاض: ۳/ ۱۹۲

(۲). الضعفا والمتروکون: ۵۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۴۰

احادیث غریبی را نقل کرده که مورد اعتماد هیچ کس نیست. «۱» ابراهیم بن جنید از یحیی این گونه نقل می‌کند: اسماعیل بن ابواویس، یاوه‌گو و دروغ پرداز است و به هیچ عنوان، معتبر نیست. «۲» ابن حزم در المحلّی می‌نویسد:

ابوالفتح ازدی می‌گوید: سیف بن محمد به من گفت: به راستی که ابن ابواویس، حدیث جعل می‌کرد. «۳» عینی نیز درباره اسماعیل

اظهار نظر کرده و می گوید: او خود به جعل حدیث، اعتراف کرده و نسائی نیز همین مطلب را از سلمهٔ بن شعیب به نقل از خود ابن ابواویس، ذکر نموده است. «۴»

(۱). میزان الاعتدال: ۱/ ۳۷۹- ۳۸۰

(۲). تهذیب التهذیب: ۱/ ۲۸۰

(۳). همان: ۱/ ۲۸۱

(۴). عمدهٔ القاری: ۱/ ۸، الفائدهٔ السابعهٔ

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۴۱

سخنی از پیامبر در هنگام بیماری ... ص: ۴۱

اشارهٔ

چهارمین حدیث ساختگی را ابن ماجه درباره فضایل عثمان آورده است. وی در سنن خود می‌نویسد:

محمد بن عبداللَّه بن نمیر و علی بن محمد، از وکیع، از اسماعیل بن ابوخالد، از قیس بن ابوحازم نقل می‌کند که عایشه گفت:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در هنگام بیماری خود فرمود: دوست دارم یکی از اصحابم کنار من باشد.

گفتیم: ای رسول خدا! ابوبکر را به نزدتان بخوانیم؟

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله سکوت کرد.

گفتیم: عمر را به نزدتان بخوانیم؟

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله سکوت کرد.

گفتیم: عثمان را به نزدتان بخوانیم؟

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود: آری.

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۴۲

ما عثمان را صدا زدیم و آمد و با رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله خلوت کرد. پیامبر صلی اللَّه علیه وآله با او سخن می گفت و چهره عثمان تغییر می کرد.

قیس می گوید: ابوسهله غلام عثمان به من گفت: عثمان بن عفّان در یوم الدار گفت: رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله با من عهدی نمود و من به سوی آن عهد حرکت می کنم.

علی بن محمّد این حدیث را با این تفاوت آورده است که عثمان گفت: و من بر آن عهد، صبر می کنم.

قیس می گوید: این اعتقاد، وجود داشت که این عهد، همان روز کشته شدن عثمان است. «۱» حاکم نیشابوری این روایت را به سند خود از اسماعیل بن ابوخالد، از قیس ابن ابوحازم، از ابوسهله (غلام عثمان)، از عایشه نقل کرده است...

حاکم در ادامه می گوید: سند این حدیث، صحیح است؛ اما مسلم و بخاری آن را نقل نکرده‌اند. «۲»

(۱). سنن ابن ماجه: ۱/ ۱۲۹ و ۱۳۰، باب فی فضائل أصحاب رسول اللَّه، حدیث ۱۱۳

(۲). المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۰۶، کتاب معرفهٔ الصحابه، حدیث ۴۵۴۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۴۳

بررسی و نقد حدیث ... ص: ۴۳

یکی از راویان این سند قیس ابن ابوحازم است. راوی شناسان درباره قیس سخنان متفاوتی دارند.
ذهبی و ابن حجر سخنی را از یعقوب بن شیبه سدوسی درباره وی نقل کرده‌اند. ابن حجر در میزان الاعتدال این گونه می‌نویسد:
اصحاب ما در مورد قیس سخن گفته‌اند. برخی او را گرانقدر و بزرگ دانسته‌اند و احادیث منقول از او را جزء صحیح‌ترین سندها دانسته‌اند؛ اما برخی به او حمله کرده و گفته‌اند:
قیس احادیث ناشناخته‌ای را روایت کرده است.
کسانی که به تعریف و تمجید قیس پرداخته‌اند، این احادیث را ناشناخته فرض نکرده‌اند؛ بلکه آن‌ها را در زمره احادیث عجیب، قرار داده‌اند. برخی دیگر نیز مکتب قیس را مورد حمله قرار داده‌اند و گفته‌اند: او به علی علیه السلام می‌تاخت.
آن چه از قیس مشهور است این است که او عثمان را بر علی علیه السلام مقدّم می‌داشت. از این رو بسیاری از کوفیان پیشین از او حدیث نقل نکرده‌اند. «۱» جلال الدین سیوطی نیز درباره او سخن گفته است. وی در

---

(۱). میزان الاعتدال: ۵/ ۴۷۶، تهذیب التهذیب: ۸/ ۳۳۶

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۴۴

تدریب الراوی در ضمن مطلب سودمندی می‌نویسد:
در این جا می‌خواهم به ذکر افرادی بپردازم که به بدعت متّهم شده‌اند و بخاری و مسلم یا یکی از این دو، به نقل حدیث از آن‌ها پرداخته‌اند.
آن گاه سیوطی قیس بن ابوحازم را جزء کسانی می‌داند که به دشمنی با علی علیه السلام متّهم شده‌اند. «۱»

---

(۱). تدریب الراوی: ۱/ ۲۷۸ و ۲۷۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۴۵

فضایل ناشناخته ... ص: ۴۵

اشارة

پنجمین حدیث ساختگی را ترمذی در بخش «فضایل معاذ بن جبل، زید بن ثابت، ابی بن کعب و ابوعبیدهٔ بن جرّاح» آورده است.
وی در سنن خود این حدیث را با دو سند می‌آورد:
۱. سفیان بن وکیع، از حمید بن عبدالرحمان، از داوود عطّار، از معمر، از قتاده نقل می‌کند که انس بن مالك گفت: رسول خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود:
ابوبکر مهربان‌ترین شخص برای امّت، عمر سخت‌گیرترین فرد در دستورات الاهی، عثمان بن عفان باحیاترین فرد، معاذ بن جبل داناترین فرد به حلال و حرام، زید بن ثابت داناترین فرد به احکامِ تقسیم ارث و ابی بن کعب فصیح‌ترین قاری کتاب خدا در امّت من هستند. هر امّتی امینی دارد و امین این امّت، ابوعبیدهٔ بن جرّاح است.

این حدیثی است حَسَن و عجیب که به جز از قتاده، آن را دیگران

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۴۶

نقل نکرده‌اند.

نظیر این حدیث را ابوقلابه، از انس، از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله روایت کرده است و حدیث ابوقلابه مشهورتر است.

۲. محمد بن بشّار، از عبدالوهّاب بن عبدالمجید ثقفی، از خالد حَذّاء، از ابوقلابه نقل می‌کند که انس بن مالك گفت:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

ابوبکر مهربان‌ترین شخص برای امّت من، عمر سخت‌گیرترین فرد در دستورات الاهی، عثمان باحیاترین فرد، ابی بن کعب فصیح‌ترین قاری کتاب خدا، زید بن ثابت داناترین فرد به احکامِ تقسیم ارث و معاذ بن جبل داناترین فرد به حلال و حرام در امّت من هستند.

آگاه باشید که هر امّتی امینی دارد و امین این امّت، ابوعبیدهٔ بن جرّاح است.

این حدیث، حَسَن و صحیح است. «۱» البته افراد دیگری نیز این حدیث را نقل کرده‌اند، از جمله ابن ماجه این حدیث را با دو سند این گونه نقل می‌کند:

۱. محمد بن مثّنی، از عبدالوهّاب بن عبدالمجید، از خالد حذّاء،

---

(۱). سنن ترمذی: ۵/ ۴۳۵ کتاب المناقب، حدیث ۳۸۱۵ و ۳۸۱۶

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۴۷

از ابوقلابه نقل می‌کند که انس بن مالك گفت: رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود: ابوبکر مهربان‌ترین شخص برای امت من...

۲. علی بن محمد همانند ابن قدامه، همین روایت را از وکیع، از سفیان، از خالد حذّاء، از ابوقلابه روایت کرده است «... ۱» حاکم نیشابوری نیز این حدیث را ذکر کرده و می‌گوید:

عبدالرحمان بن حمدان جلّاب در همدان، از ابوحاتم رازی، از محمّد بن یزید بن سنان رهاوی، از ابومحمد کوثر بن حکیم حلبی، از نافع نقل می‌کند که ابن عمر می‌گوید:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود: ابوبکر مهربان‌ترین فرد برای امت من است، عمر قاطع‌ترین فرد در دستورات الاهی، عثمان باحیاترین فرد، ابی بن کعب فصیح‌ترین قاری قرآن، زید بن ثابت داناترین فرد به احکام تقسیم ارث، علی بن ابی طالب داناترین فرد به احکام قضاوت، معاذ بن جبل داناترین فرد به حلال و حرام و ابوذر راست‌گوترین فرد در میان امّت من هستند. به راستی که ابوعبیدهٔ بن جرّاح، امین این امّت است و عالم دینی این امّت عبداللَّه بن عباس است. «۲»

---

(۱). سنن ابن ماجه: ۱/ ۱۶۱- ۱۶۲، باب فی فضائل أصحاب رسول اللَّه، حدیث ۱۵۴ و ۱۵۵

(۲). المستدرك علی الصحیحین: ۳/ ۶۱۶، کتاب معرفهٔ الصحابه، حدیث ۶۲۸۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۴۸

بررسی راویان حدیث ... ص: ۴۸

آن چه آوردیم، مهم‌ترین سندهای این حدیث در معتبرترین کتاب‌های اهل سنّت است که حدیث به دروغ به رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله نسبت داده شده است و اگر بخواهیم سندهای آن را کامل بررسی و ارزیابی کنیم، از هدف این کتاب دور خواهیم شد؛

از این رو تنها به بررسی بخش بسیار کوچکی از سندهای این حدیث می‌پردازیم.

سفیان بن وکیع ... ص: ۴۸

در سند نخست حدیث که ترمذی آن را نقل کرده است، نام سفیان بن وکیع به چشم می‌خورد. راوی شناسان درباره او این گونه اظهار نظر کرده‌اند:

بخاری می گوید: علما به خاطر مطالبی که به سفیان یاد داده بودند بر او ایراد می گرفتند.

ابوزرعه درباره او می گوید: سفیان به دروغ گویی متهم است.

ابن ابی حاتم می گوید: از پدرم در مورد سفیان سؤال شد، پاسخ داد: او در نقل حدیث سهل انگار است.

نسائی درباره او می گوید: سفیان فرد ثقه و مورد اعتماد نیست.

وی در جای دیگر می گوید: سفیان فرد ارزشمندی نیست.

آجری در مورد سفیان می گوید: ابوداوود از نقل روایت‌های وی

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۴۹

خودداری کرده است.

ذهبی او را در زمره کسانی که از نظر نقل حدیث ضعیفند قرار داده است.

ابن حجر می گوید: سفیان گرفتار کاتب خود شد که احادیثی را به نقل از او می‌نوشت که جزء احادیث او نبود. سفیان را در این باره نصیحت کردند، اما نپذیرفت؛ بنابراین، احادیث او از درجه اعتبار، ساقط است. «۱»

داوود عطّار ... ص: ۴۹

داوود عطّار نیز یکی دیگر از راویان سلسله سند نخست ترمذی است.

حاکم نیشابوری می گوید: یحیی بن معین درباره داوود می گوید:

احادیث او ضعیف است.

ازدی می گوید: علما حرف و حدیث‌هایی در مورد او می گویند. «۲»

---

(۱). میزان الاعتدال: ۳/ ۲۴۹، تهذیب التهذیب: ۴/ ۱۱۱- ۱۱۲، تقریب التهذیب: ۱/ ۳۷۲، المغنی فی الضعفاء: ۱/ ۴۱۹

(۲). میزان الاعتدال: ۳/ ۱۸، تهذیب التهذیب: ۳/ ۱۷۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۵۰

قَتاده ... ص: ۵۰

قتاده نیز یکی از راویان سلسله سند نخست ترمذی است.

وی قَدَری مذهب بود و این مکتب را تبلیغ می کرد و از طرف دیگر، مشهور به تدلیس بود.

شعبی می گوید: قتاده احادیث صحیح را با غیر صحیح درمی‌آمیزد. «۱»

محمد بن بشّار ... ص: ۵۰

از راویان سند دوم ترمذی، محمّد بن بشّار است.

فلّاس او را دروغ‌گو دانسته است.

دورقی می‌گوید: یحیی بن معین را دیدم که به او اعتنایی نمی‌کند و او را در نقل حدیث، تضعیف می‌کرد.

قواریری را دیدم که او را نمی‌پسندید.

وی صاحب حمّام بوده است. «۲»

عبدالوهاب بن عبدالمجید ... ص: ۵۰

یکی دیگر از راویان این سند، عبدالوهّاب بن عبدالمجید است.

---

(۱). تهذیب التهذیب: ۸/ ۳۰۷- ۳۰۹ و دیگر منابع اهل سنّت

(۲). میزان الاعتدال: ۶/ ۷۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۵۱

ابن ابی حاتم درباره او می‌گوید: از پدرم درباره عبدالوهّاب پرسیدم، گفت: او فرد ناشناخته است.

ابن مهدی وی را در زمره کسانی قرار داده است که از کتاب‌های دیگران نقل حدیث می‌کرد، اما نمی‌توانست این احادیث را به خوبی حفظ کند.

دوری به نقل از ابن معین می‌گوید: وی در پایان عمر، دچار پریشان گویی شد.

ابوداوود می‌گوید: او اختلال حواس یافت.

عقیلی وی را در شمار راویان ضعیف ذکر کرده است. «۱»

خالد حذّاء ... ص: ۵۱

راوی دیگر این سند خالد حذّاء است. ابوحاتم درباره او می‌گوید: حدیث خالد نوشته می‌شود؛ ولی بدان احتجاج و استدلال نمی‌شود.

عقیلی در تاریخ خود از یحیی بن آدم به نقل از ابوشهاب می‌نویسد: شعبه به من گفت: به حجّاج بن ارطاة و محمد بن اسحاق اعتماد کن؛ چرا که آنان در زمره حافظان حدیث هستند، اما در میان

---

(۱). همان: ۴/ ۴۳۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۵۲

مردم بصره، احادیث خالد حذّاء و هشام را از من پنهان دار.

یحیی می‌گوید: به حمّاد بن زید گفتم: خالد حذّاء چه ایرادی دارد؟

گفت: او از شام به نزد ما آمد؛ ما حافظ بودن او را قبول نداریم.

عبّاد بن عبّاد می‌گوید: شعبه می‌خواست از خالد بدگویی کند. من و حمّاد بن زید به نزد شعبه رفتیم و به او گفتیم: تو را چه شده؟ دیوانه شده‌ای؟!

آن گاه شعبه را تهدید کردیم و او نیز سکوت اختیار کرد.

عقیلی از طریق احمد بن حنبل این گونه نقل می کند: یکی از احادیث خالد را برای ابن علیّه روایت کردند. ابن علیّه به آن حدیث توجّهی نکرد و خالد را در نقل روایات تضعیف کرد.

ابن حجر می گوید: به نظر می آید که سخنان اینان درباره خالد از آن روست که حمّاد بن زید به این مطلب اشاره کرده که خالد در پایان عمر، دچار دگرگونی حافظه گردید و یا از آن جهت است که خالد به جرگه کارگزاران سلطان درآمده بود، و خداوند آگاه‌تر است. «۱»

---

(۱). تهذیب التهذیب: ۳/ ۱۱۰ و ۱۱۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۵۳

ابوقلابه ... ص: ۵۳

راوی دیگر این سند، ابوقلابه عبداللّه بن زید جرمی است. او علی علیه السلام را دشمن می‌داشت و نسبت به آن حضرت بی‌ادبی می کرد. به همین جهت هیچ روایتی را از علی علیه السلام نقل نکرده است.

از طرف دیگر، همگان معتقد بودند که ابوقلابه در حدیث تدلیس می کرده؛ چه از کسانی که آن‌ها را دیده بود و چه از کسانی که آن‌ها را ندیده بود.

درباره ابوقلابه، از ابوالحسن قابسی مالکی چنین نقل شده است:

ابوقلابه از فقهای تابعین نیست و از دیدگاه مردم، وی از ابلهان به شمار می آمد. «۱»

دو نکته جالب ... ص: ۵۳

بنابر آن چه گذشت موقعیّت سند حدیث ابن ماجه نیز روشن شد.

درباره سند این حدیث دو نکته نیز قابل بحث است:

نخست: این حدیث- افزون بر آن چه گذشت- به طور مرسل نقل شده است. ابن حجر عسقلانی در فتح الباری و نیز دیگر شارحان صحیح بخاری به این نکته تصریح کرده‌اند. مناوی در شرح خود

---

(۱). همان: ۵/ ۲۰۱ و ۲۰۲، میزان الاعتدال: ۴/ ۱۰۳ و ۱۰۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۵۴

می نویسد:

ابن حجر در فتح الباری می گوید: ترمذی و ابن حبّان این حدیث را به صورت مفصّل، از طریق عبدالوهّاب ثقفی به نقل از خالد حذّاء آورده‌اند. این حدیث با کلمه «مهربان‌ترین» آغاز می‌شود و سند آن صحیح است، ولی حافظان احادیث گفته‌اند: درست آن است که آغاز این حدیث، مرسل است و قسمتی که به سندِ متّصل از حدیث آمده همان است که بخاری به آن بسنده کرده است. «۱» دوم: راوی این حدیث انس بن مالك است که در موارد متعددی به دروغ گویی و خیانت، دست یازیده است. بنابراین نمی‌توان به او اعتماد کرد.

راویان حدیث سند حاکم نیشابوری ... ص: ۵۴

محمد بن یزید رهاوی

یکی از راویان این حدیث در سند حاکم نیشابوری، محمد بن یزید بن سنان رهاوی است. راوی شناسان به او ایراد گرفته‌اند. دارقطنی درباره محمد بن یزید می گوید: او از نظر نقل حدیث ضعیف است.

---

(۱). فیض القدیر: ۱/ ۵۸۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۵۵

نسائی می گوید: محمد بن یزید در نقل حدیث قوی نیست.

ابن ابی حاتم می گوید: از پدرم درباره او پرسیدم. پاسخ داد:

محمد بن یزید راوی با ارزشی نیست و از پدرش غافل‌تر است.

بخاری می گوید: ابوفروه مُقارب الحدیث «۱» است، اما پسرش محمد، روایات ناشناخته‌ای را از زبان او نقل کرده است.

آجری نیز در این باره سخن گفته است. او به نقل از ابوداوود می گوید: ابوفروه جزری راوی با ارزشی نیست و پسرش نیز همین گونه است.

ترمذی می گوید: روایات محمّد بن یزید قابل اعتماد نیستند و او از نظر نقل حدیث ضعیف است.

ابن حجر می گوید: محمّد بن یزید در نقل حدیث قوی نیست. «۲» ذهبی شرح حال او را در کتاب المغنی فی الضعفاء آورده است. «۳» کوثر بن حکیم

از دیگر راویان سند حاکم کوثر بن حکیم است. بخاری درباره او در الضعفاء والمتروکین می گوید: احادیث کوثر بن حکیم ناشناخته است.

---

(۱)

. مقارب الحدیث، به کسی اطلاق می‌شود که در زمینه حدیث، متوسط الحال است

(۲). میزان الاعتدال: ۶/ ۳۷۲، تهذیب التهذیب: ۹/ ۴۵۲، تقریب التهذیب: ۲/ ۱۴۷

(۳). المغنی فی الضعفاء: ۲/ ۳۸۸

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۵۶

نسائی نیز در الضعفاء والمتروکین می گوید: کوثر بن حکیم متروک الحدیث است (احادیث او مورد توجه قرار نمی گیرد).

ابوزرعه درباره او می گوید: کوثر بن حکیم از نظر نقل حدیث ضعیف است.

ابن معین می گوید: او به حساب نمی‌آید.

احمد می گوید: احادیث او باطل است.

دارقطنی می گوید: احادیث او متروک است.

ذهبی در المغنی فی الضعفاء می گوید: عالمان حدیثی او را رها کردند؛ چرا که وی روایات عجیبی دارد. «۱» بنابر آن چه گذشت، روشن شد که حق با کسانی است که نه تنها این حدیث را ضعیف دانسته‌اند؛ بلکه جعلی بودن آن را ترجیح داده‌اند. «۲»

---

(۱). ر. ک: کتاب‌های مذکور و نیز المیزان: ۵/ ۵۰۴، لسان المیزان: ۴/ ۵۸۹- ۵۹۰

(۲). فیض القدیر: ۱/ ۵۸۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۵۷

خلفا و ساخت مسجد پیامبر ... ص: ۵۷

اشارهٔ

ششمین حدیث ساختگی را حاکم نیشابوری در بخش «فضایل عثمان» آورده و آن را بنابر معیارهای مورد نظر بخاری و مسلم، صحیح دانسته است. آن روایت این گونه است:

ابوعلی حافظ، از ابوبکر محمّد بن محمّد بن سلیمان، از ابوعبیداللّه احمد بن عبدالرحمان بن وهب، از عمویش، از یحیی بن ایّوب، از هشام بن عروه، از پدرش نقل می کند که عایشه می گوید:

پیامبر صلی اللّه علیه وآله برای ساخت مسجد، نخستین سنگ را برداشت. آن گاه ابوبکر سنگ دیگری برداشت؛ سپس عمر سنگ دیگری برداشت، آن گاه عثمان نیز سنگی دیگر برداشت.

گفتم: ای رسول خدا! آیا نمی‌بینید که اینان چگونه شما را کمک می کنند؟

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۵۸

پیامبر صلی اللّه علیه وآله فرمود: ای عایشه! اینان خلفا و جانشینان بعد از من هستند.

حاکم نیشابوری در ذیل این حدیث می‌نویسد:

این حدیث با رعایت معیارهای مورد نظر بخاری و مسلم صحیح است، ولی بخاری و مسلم آن را نقل نکرده‌اند. این حدیث با سندی سست از محمد بن فضل بن عطیه، مشهور شده و به همین جهت به آن اعتنایی نشده است. «۱»

بررسی و نقد حدیث ... ص: ۵۸

این حدیث هم از نظر سند و هم از نظر متن، جعلی و ساختگی است.

۱. سند حدیث

از نظر سند- با چشم پوشی از راویان دیگر آن- فقط به اظهار نظرهای راوی شناسان درباره احمد بن عبدالرحمان بن وهب مصری می‌پردازیم.

ابن عدی درباره او می گوید: همه بزرگان مصر احمد بن عبدالرحمان را از نظر نقل حدیث ضعیف می‌دانستند.

---

(۱). المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۰۳، کتاب معرفهٔ الصحابه، حدیث ۴۵۳۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۵۹

ابن یونس درباره او می گوید: نمی‌توان به حدیث احمد بن عبدالرحمان استدلال و احتجاج کرد.

ابن حبّان می گوید: احمد بن عبدالرحمان در پایان عمرش به ذکر احادیث ناشناخته پرداخته است. «۱» گفتنی است که احمد بن عبدالرحمان مصری، حدیث مذکور را از عمویش نقل کرده است!!

۲. متن حدیث

در بررسی متن حدیث فقط به گفتار ذهبی بسنده می‌شود. ذهبی پس از نقل سخن حاکم نیشابوری، چنین می گوید:

به نظر من احمد بن عبدالرحمان به ذکر احادیث ناشناخته پرداخته و از کسانی است که مسلم نیشابوری به خاطر نقل احادیث او در

صحیح، مورد نکوهش قرار گرفته است. یحیی نیز هر چند ثقه است، اما او را از نظر نقل حدیث تضعیف کرده است.

از این گذشته، اگر این حدیث صحیح باشد، تصریحی در خلافت ابوبکر، عمر و عثمان خواهد بود.

اما این حدیث به هیچ عنوان صحیح نیست؛ زیرا عایشه در آن هنگام هنوز با پیامبر صلی اللَّه علیه وآله ازدواج نکرده بود؛ بلکه در سنین

---

(۱). میزان الاعتدال: ۱/ ۲۵۳ و ۲۵۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۶۰

کودکی و در خانه پدرش به سر می‌برد. به همین جهت این سخن وی نشان‌گر بطلان حدیث است.

آن گاه ذهبی سخن حاکم نیشابوری را چنین نقل می‌کند: این حدیث از محمد بن فضل بن عطیه، مشهور شده و به همین جهت به آن اعتنایی نشده است.

ذهبی در ذیل سخن حاکم می‌گوید: به نظر من ابن عطیه فرد متروکی است. «۱»

---

(۱). تلخیص المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۹۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۶۱

رؤیای رسول خدا ... ص: ۶۱

اشارة

هفتمین حدیث ساختگی را ابوداوود در سنن خود این گونه آورده است:

عمرو بن عثمان، از محمد بن حرب، از زبیدی، از ابن شهاب، از عمرو بن ابان بن عثمان روایت می‌کند که جابر بن عبداللَّه می‌گفت:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

امشب مرد صالحی در خواب به من نشان داده شد که ابوبکر، پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله را گرفته، عمر به ابوبکر آویخته شده و عثمان نیز به عمر.

جابر می‌گوید: هنگامی که از محضر رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله خارج شدیم گفتیم: آن مرد صالح، خودِ رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله است و آویخته شدن آنان به یک‌دیگر نشان می‌دهد که ابوبکر، عمر و عثمان، پیشوایان رسالتی هستند که خداوند پیامبرش را برای انجام آن مبعوث

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۶۲

کرده است.

ابوداوود پس از نقل این حدیث می‌گوید: یونس و شعیب نیز این حدیث را روایت کرده‌اند؛ ولی نامی از عَمرو نبرده‌اند. «۱» حاکم نیشابوری نیز این حدیث را این گونه آورده است:

ابوعبداللَّه محمد بن عبداللَّه صفّار، از احمد بن مهدی بن رستم، از موسی بن هارون بردی، از محمد بن حرب، از زبیدی، از زهری، از عمرو بن ابان بن عثمان بن عفان نقل می‌کند که جابر بن عبداللَّه می‌گوید: رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود: امشب مرد

صالحی را در خواب به من نشان دادند که ابوبکر رسول خدا صلی اللّه علیه وآله را گرفته، عمر به ابوبکر و عثمان به عمر آویخته شده‌اند.

جابر می گوید: هنگامی که از محضر رسول خدا صلی اللّه علیه وآله خارج شدیم گفتیم: آن مرد صالح، خودِ رسول خدا صلی اللّه علیه وآله است و مقصود از آویخته شدن آنان به یک‌دیگر این است که ابوبکر، عمر و عثمان، پیشوایان رسالتی هستند که خداوند پیامبرش صلی اللّه علیه وآله را برای انجام آن مبعوث کرده است.

حاکم نیشابوری پس از نقل حدیث می گوید: در پایان این

---

(۱). سنن ابوداوود: ۳/ ۲۱۳- ۲۱۴، کتاب السنهٔ باب فی الخلفاء، حدیث ۴۶۳۶

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۶۳

حدیث، سند صحیحی از ابوهریره وجود دارد؛ ولی مسلم و بخاری آن را نقل نکرده‌اند. «۱»

بررسی و نقد حدیث ... ص: ۶۳

ذهبی در کتاب تلخیص المستدرک علی الصحیحین این حدیث را صحیح دانسته است؛ اما حاکم نیشابوری یک بار دیگر این حدیث را با سند دیگر از عثمان بن سعید دارمی، از محمد بن حرب، از سعید بن عبداللّه جرجسی، از زبیدی، از زهری، از عمرو بن ابان بن عثمان، از جابر نقل کرده و آن گاه می گوید:

دارمی می گوید: از یحیی بن معین شنیدم که می گفت: سند این حدیث از محمّد بن حرب است و مردم به نقل از او و از زبان زهری، احادیث مرسل را روایت می کنند. در سند این حدیث، نام عمرو بن ابان به چشم می‌خورد، امّا ابان بن عثمان، پسری به نام عمرو نداشته است. «۲» ذهبی در این مورد نیز با حاکم نیشابوری هم‌عقیده است!

گفتنی است که برای بی‌اعتباری این حدیث- با چشم پوشی از اشکالات موجود در سند که بر اساس تصریح یاقوت حموی در بخش

---

(۱). المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۷۵، کتاب معرفهٔ الصحابه، حدیث ۴۴۳۹

(۲). همان: ۳/ ۱۰۹، کتاب معرفهٔ الصحابه (فضائل عثمان بن عفّان) حدیث ۴۵۵۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۶۴

«حمص» کتاب معجم البلدان، «محمّد بن حرب» و «محمّد بن ولید زبیدی» از اهالی حمص و به دشمنی با علی علیه السلام معروف بودند؛ به ویژه که در شرح حال آن‌ها در تهذیب التهذیب آمده که آن‌ها از قُضات حکومت جور در دمشق بودند و این که ابن شهاب زهری از معروف‌ترین مخالفان امیر مؤمنان علی علیه السلام بوده- سخن ابوداوود و یحیی بن معین کافی است.

خاطرنشان می‌شود که برای رفع تناقض موجود در سخنان حاکم و ذهبی، توجیهی به ذهن نرسید.!!

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۶۵

خلفا هم سنگان امّت ... ص: ۶۵

اشارهٔ

هشتمین حدیث ساختگی را طبرانی نقل می‌کند. وی به نقل از معاذ بن جبل می‌گوید: رسول خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود:

در خواب دیـدم که من در یک کفّه ترازو و امّتم در کفّه دیگر آن قرار گرفته‌اند و من هم‌سنگ همه امّتم هستم. سپس ابوبکر در یک کفّه و امّتم در کفّه دیگر قرار گرفته‌اند که ابوبکر هم‌سنگ همه آنان بود.

آن گاه عمر در یک کفّه و امّتم در کفّه دیگر قرار گرفته‌انـد که عمر هم‌سنگ همه آنان بود. عثمان نیز در یک کفّه و امّتم در کفّه دیگر قرار گرفته‌اند که عثمان، هم‌سنگ همه آنان بود. آن گاه ترازو برداشته شد.

هیثمی و متّقی هندی نیز این حدیث را از طبرانی نقل کرده‌اند. «۱»

---

(۱). مجمع الزوائد: ۹/ ۵۱ کتـاب المنـاقب، بـاب فیما ورد من الفضل لأبی بکر وعمر وغیرهما من الخلفاء و غیرهـم، حـدیث ۱۴۳۸۸، کنز العمّال: ۱۱/ ۲۹۵ کتاب الفضائل، باب ذکر الصحابهٔ وفضلهم، حدیث ۳۳۱۱۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۶۶

عمرو بن واقد از راویان این حدیث ... ص: ۶۶

هیثمی پس از نقل این حدیث می‌گوید:

یکی از راویان این حدیث، عمرو بن واقد است و از نظر نقل حدیث متروک است و همه علما او را تضعیف کرده‌اند.

اینک به بخشی از سخنان علمای اهل سنّت در مورد عمرو بن واقد می‌پردازیم:

مروان همیشه درباره او می‌گفت: عمرو بن واقد دروغ‌گوست.

یزید بن محمّد بن عبدالصمد به نقل از ابومسهر می‌گوید:

عمرو بن واقد بی‌آن که تعمّدی داشته باشد، دروغ می‌گفت.

یعقوب بن سفیان به نقل از دحیم می‌گوید: بزرگان ما از عمرو بن واقد حدیث نقل نمی‌کردند.

یعقوب می‌گوید: گویا دحیم در مورد دروغ‌گو بودن عمرو بن واقد تردیدی نداشت.

بخاری و ترمذی نیز درباره عمرو بن واقد سخن به میان آورده‌اند. آن‌ها می‌گویند: او احادیث ناشناخته روایت می‌کند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۶۷

ابوحاتم می‌گوید: عمرو بن واقد از نظر نقل حدیث ضعیف است و احادیث ناشناخته روایت می‌کند.

نسائی، دارقطنی و برقانی درباره عمرو بن واقـد می‌گوینـد: او متروک الحـدیث است. «۱» ذهبی در میزان الاعتـدال درباره عمرو بن واقـد مطالبی را ذکر کرده و او را در زمره راویان ترمـذی و ابن ماجه برشـمرده است. او پس از بیان عباراتی در نکوهش و سـرزنش عمرو بن واقد، به ذکر احادیثی- از جمله همین حدیث- می‌پردازد که وی از راویان آن است.

ذهبی در ادامه می‌گویـد: این گونه احـادیث فقـط از طریق عمرو بن واقـد معروف شده‌انـد و حـال آن که وی از درجه اعتبـار ساقط است. «۲»

---

(۱). تهذیب التهذیب: ۸/ ۹۷

(۲). میزان الاعتدال: ۵/ ۳۴۹- ۳۵۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۶۸

خلفا و فرمان خدا ... ص: ۶۸

اشارهٔ

نهمین حدیث را در برتری و ترتیب خلفا متقی هندی از ابن عساکر و ابن عدی نقل می‌کند که ابن عمر می‌گوید:

رسول خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود:

خداوند به من فرمان داد تا چهار تن از اصحابم را دوست داشته باشم؛ و فرمود: من، ابوبکر، عمر، عثمان و علی را دوست می‌دارم.

متّقی هندی پس از نقل این حدیث می‌گوید:

یکی از راویان این حدیث سلیمان بن عیسی بن نجیح سجزی است. ابن عدی درباره او می‌گوید: سلیمان، حدیث جعل می‌کند. «۱»

---

(۱). کنز العمّال: ۱/ ۲۹۳ کتاب فضائل، باب ذکر الصحابهٔ و فضلهم، حدیث ۳۳۰۹۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۶۹

سلیمان بن عیسی سجزی از راویان این حدیث ... ص: ۶۹

از راویان این حدیث سلیمان بن عیسی سجزی است که به بخشی از دیدگاه‌های راوی شناسان درباره او اشاره می‌نماییم.

ذهبی می‌گوید: سلیمان بن عیسی بن نجیح سجزی از زبان ابن عون و دیگر راویان روایات مالك را نقل می‌کند.

جوزجانی می‌گوید: دروغ پردازی سلیمان بر همه آشکار است.

ابوحاتم می‌گوید: او دروغ گوست.

ابن عدی درباره او می‌گوید: سلیمان حدیث جعل می‌کرد. وی کتاب تفضیل العقل را در دو جلد به رشته تحریر درآورده است.

از حدیث‌های بلا- خیز او این است که از لیث، از نافع، از ابن عمر، حدیث مرفوعی را نقل می‌کند که پیامبر صلی اللّه علیه وآله فرمود:

خداوند مرا به دوست داشتن چهار نفر دستور داده است؛ ابوبکر، عمر، عثمان و علی. «۱» گفتنی است که ابن حجر عسقلانی نیز همین مطالب را بیان کرده است. «۲»

---

(۱). میزان الاعتدال: ۳/ ۳۰۸

(۲). لسان المیزان: ۳/ ۱۱۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۷۰

خلفا و مژده پیامبر ... ص: ۷۰

اشارهٔ

دهمین حدیث در فضایل و ترتیب خلفا را جلال الدین سیوطی نقل می‌کند. وی در کتاب الخصائص الکبری می‌نویسد:

ابن ابی خیثمه (در تاریخ خود)، ابویعلی، بزّار و ابونعیم اصفهانی این گونه نقل می‌کنند که انس می‌گوید:

روزی همراه رسول خدا صلی اللّه علیه وآله در باغی حضور داشتم.

شخصی آمد و در زد. پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود: ای انس! برخیز، در را برایش باز کن و او را به بهشت و خلافت بعد از من بشارت ده!

من در را باز کردم و دیدم ابوبکر است. سپس مرد دیگری آمد و در زد.

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود: ای انس! برخیز، در را برای او باز کن و او را به بهشت و خلافت پس از ابوبکر بشارت ده!

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۷۱

من در را باز کردم، دیدم عمر است. سپس مرد دیگری آمد و در زد.

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود: در را برایش باز کن، او را به بهشت و خلافت پس از عمر بشارت ده و به او بگو که کشته خواهد شد.

من در را باز کردم دیدم عثمان است. «۱»

حدیث ساختگی و دیدگاه خطیب بغدادی ... ص: ۷۱

خطیب بغدادی در این زمینه می‌گوید:

صقر بن عبدالرحمان بن بنت مالک بن مغول- که از مردم کوفه و با کنیه ابوبهز شناخته می‌شد، و در بغداد ساکن و در آن جا به نقل احادیث پرداخت- به من گفت: علی بن محمّد بن حسن مالکی، از عبداللَّه بن عثمان صفار، از محمّد بن عمران بن موسی صیرفی، از عبداللَّه بن علی بن مدینی برای من نقل کرد که در مورد حدیث ابوبهز- که آن را از ابن ادریس، از مختار بن فلفل، از انس نقل کرده- با پدرم صحبت کردم و به او گفتم: در این حدیث، انس می‌گوید که در باغی بودم و ... پیامبر صلی اللَّه علیه وآله به او فرموده است: در را باز کن و به او اجازه ورود ده و او را به بهشت بشارت بده. به پدرم گفتم: این حدیث

(۱). الخصائص الکبری: ۲/ ۴۳۸

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۷۲

همانند حدیث ابوموسی است.

پدرم پاسخ داد: این حدیث، دروغ و ساختگی است.

آن گاه خطیب به سند خود از طریق ابویعلی این گونه نقل می‌کند:

ابوبهز صقر بن عبدالرحمان بن بنت مالک بن مغول، از عبداللَّه بن ادریس، از مختار بن فلفل، از انس بن مالک روایت کرد که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله آمد و وارد باغی شد. شخصی آمد و در زد. پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

ای انس! برخیز...

عبدالمؤمن می‌گوید: از ابوعلی درباره صقر پرسیدم.

پاسخ داد: صقر، استادی ساده لوح بود که در بغداد هیچ کس به او توجه نمی‌کرد ... و ابوصقر عبدالرحمان بن مالک بن مغول- یعنی صقر- حدیث جعل می‌کرد.

ابوعلی در ادامه می‌گوید: صالح بن محمد عبدالرحمان بن مالک بن مغول از دروغ گوترین مردم است و پسرش ابوبهز نیز در دروغ گویی همواره گوی سبقت را از پدرش ربوده بود. «۱» گفتنی است که عینی نیز این حدیث را در شرح بخاری نقل می‌کند و می‌گوید:

(۱). تاریخ بغداد: ۹/ ۳۴۰ و ۳۴۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۷۳

ابویعلی موصلی این روایت را به عنوان یکی از روایات مختار بن فلفل به نقل از انس، ذکر کرده و گفته است: این حدیث، حدیثی حَسَن «۱» است. «۲»

دیدگاه‌های دیگر ... ص: ۷۳

همان گونه که پیش از این گذشت، چند تن از حافظان حدیث اهل تَسنُّن، به صراحت ابوبهز را در شمار دروغ گوترین‌ها آورده‌اند و این حدیث را جعلی دانسته‌اند. ابن عدی نیز می‌گوید: هر گاه حدیثی را به نقل از ابوبهز نقل می‌کردیم، ابویعلی به ضعیف بودن او اشاره می‌کرد.

ذهبی در زمره کسانی است که این حدیث را دروغ و جعلی می‌داند. وی پس از بیان شرح حال «صقر» در میزان الاعتدال می‌نویسد: صقر بن عبدالرحمان مشهور به ابوبهز، نوه دختری مالک بن مغول بود. او این حدیث دروغ را از عبداللَّه بن ادریس، از مختار بن فلفل، از انس نقل می‌کند که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله به انس فرمود: ای انس! برخیز، در را برای ابوبکر باز کن و او را به خلافت بعد از من

---

(۱). حدیث حسن به اصطلاح اهل تسنّن، خبر مسندی است که راویان آن، نزدیک به‌درجه وثاقت باشند

(۲). عمدة القاری: ۱۶/ ۱۷۶- ۱۷۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۷۴

بشارت ده!

در ادامه حدیث، همین عبارات درباره عمر و عثمان نیز ذکر شده است.

ذهبی در ادامه می‌نویسد: ابن عدی نیز درباره صقر اظهار نظر کرده است. وی می‌گوید: هر گاه به نقل احادیث ابوبهز می‌پرداختیم، ابویعلی او را ضعیف می‌شمرد.

ابوبکر بن ابی شیبه می‌گوید: ابوبهز حدیث جعل می‌کرد.

ابوعلی جزره می‌گوید: ابوبهز بسیار دروغ گو بود. «۱» ابن حجر عسقلانی نیز در کتاب لسان المیزان، پس از ذکر عبارات ذهبی، از دیدگاه او پیروی کرده و آن گاه حدیث مذکور را به سند خود از ابویعلی، از صقر بن عبداللَّه بن ادریس، از مختار بن فلفل، از انس نقل کرده است. ابن حجر در ادامه می‌گوید:

اگر این حدیث، صحیح بود، عمر مسأله خلافت را به اهل شورا واگذار نمی‌کرد و بدون هیچ کشمکش، عثمان را به عنوان خلیفه معرفی می‌کرد. «۲»

---

(۱). میزان الاعتدال: ۳/ ۴۳۴ و ۴۳۵

(۲). لسان المیزان: ۳/ ۲۲۷ و ۲۲۸

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۷۵

خلفا و جایگاه ویژه ... ص: ۷۵

اشارهٔ

یازدهمین حدیث را سه تن از علمای اهل سنّت نقل می‌کنند. این حدیث را عبدالوهّاب کلابی، معروف به ابن اخی تبوک، درگذشته سال ۳۹۶ هجری در مسند خود، «۱» ابن عساکر در تاریخ مدینهٔ دمشق و خطیب بغدادی در تاریخ بغداد نقل کرده‌اند.

خطیب بغدادی این گونه نقل می‌کند:

از عبدالوهّاب بن حسن دمشقی، از ابوالقاسم عبداللّٰه بن احمد بن محمّد تمیمی معلّم- معروف به غباغبی- از ضرار بن سهل ضراری در «دار الخلنجیین» واقع در «رأس الجسر» بغداد، از حسن بن عرفه، از ابوحفص ابّار عمر بن عبدالرحمان، از حمید نقل می‌کند که انس می‌گوید:

---

(۱). شایان ذکر است که «مسند دمشق» نیز در مسند عبدالوهّاب کلابی گنجانده شده است

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۷۶

علی بن ابی طالب به من گفت: رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله به من فرمود: ای علی! خداوند به من فرمان داد تا ابوبکر را به عنوان پدر، عمر را مشاور، عثمان را تکیه گاه و تو را- ای علی!- پشتیبان خود برگزینم...

خطیب بغدادی پس از نقل این حدیث می‌نویسد:

این حدیث، بسیار ناشناخته است و تنها دو راوی ناشناخته به نام‌های ضرار بن سهل و غباغبی- آن هم به نقل از ضرار بن سهل- آن را با سند مذکور نقل کرده‌اند. «۱» ابن جوزی در بخش فضایل خلفای چهارگانه از کتاب الموضوعات خود، روایاتی چند نقل می‌کند و این حدیث را به عنوان نخستین حدیث با سند از این راویان نقل می‌کند:

ابومنصور قزّاز، از ابوبکر احمد بن علی خطیب، از عبدالوهّاب بن حسن دمشقی، از ابوالقاسم عبداللّٰه بن احمد بن محمد تمیمی- معروف به غباغبی- از ضرار بن سهل، از حسن بن عرفه، از ابوحفص أبّار، از حمید از انس...

ابن جوزی پس از نقل این حدیث، دیدگاه خطیب بغدادی را

---

(۱). تاریخ بغداد: ۹/ ۳۴۸

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۷۷

این گونه نقل می‌کند:

خطیب می‌گوید: این حدیث، بسیار ناشناخته است و تنها دو راوی ناشناخته به نام‌های ضرار بن سهل و غباغبی- وی نیز به نقل از ضرار بن سهل- این حدیث را با سند مذکور روایت کرده‌اند. «۱» ذهبی درباره این سند می‌گوید:

ضرار بن سهل، خبر باطلی را به نقل از حسن بن عرفه بیان کرده است و نمی‌دانیم این حیوان کیست!! این حدیث از ابن عرفه نیز نقل شده است.

ابار از حمید و او نیز از انس نقل می‌کند که علی گفت:

پیامبر صلی اللّٰه علیه وآله به من فرمود: ای علی! خداوند به من فرمان داد تا ابوبکر را به عنوان پدر خود برگزینم.

این حدیث را اخو تبوک عبدالوهّاب کلابی، از عبداللّٰه بن احمد غباغبی- یکی از دو راوی ناشناخته- از ضرار نقل کرده است. «۲» گفتنی است که ابن حجر عسقلانی نیز همین دیدگاه ذهبی را نقل کرده است. «۳»

---

(۱). الموضوعات: ۱/ ۳۰۱ و ۳۰۲

(۲). میزان الاعتدال: ۳/ ۴۴۸ و ۴۴۹

(۳). لسان المیزان: ۳/ ۲۳۸ و ۲۳۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۷۸

بررسی و نقد حدیث ... ص: ۷۸

تا این جا روشن شد که حدیث مذکور در زمره احادیث جعلی و ساختگی است.

از این گذشته، ابن حجر عسقلانی پس از نقل حدیث مذکور- همانند ذهبی- چنین می گوید:

اخو تبوک عبدالوهّاب کلابی، این حدیث را به نقل از عبداللّه بن احمد غباغبی نقل کرده است.

ابن حجر پس از آن که- همانند ذهبی- غباغبی را یکی از دو راوی ناشناخته معرفی می کند، در عنوان «عبداللَّه بن احمد بن محمد تمیمی، معروف به عباعبی» این گونه می‌نویسد:

عباعبی حدیثی را پیرامون فضایل خلفا، از ضرار بن سهل، از زبان حسن بن عرفه نقل کرده است. البته عبدالوهّاب علائی نیز این حدیث را از عباعبی روایت کرده است.

ملاحظه می کنید که ابن حجر ابتدا از «غباغبی» و آن گاه از «عباعبی» نام می‌بَرد! وی یک بار «عبدالوهّاب کلابی» و بار دیگر «عبدالوهّاب علائی» را به عنوان راوی حدیث معرفی می کند!

ابن حجر ادامه می‌دهد:

خطیب می گوید: این حدیث، بسیار ناشناخته است. من نشنیده‌ام

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۷۹

که غیر از ضرار، راوی دیگری این حدیث را با سند مذکور نقل کرده باشد و این در حالی است که هم ضرار و هم عباعبی، ناشناخته هستند.

ابن عساکر، عباعبی را از تبار فراس بن حابس تمیمی، برادر اقرع بن حابس می‌داند...

عباعبی در باب «الجابیه» دمشق به حرفه معلّمی اشتغال داشت و در سال ۴۲۵ هجری درگذشت.

ابن حجر در پایان می گوید: من بر این باورم که عباعبی، راوی معروف و شناخته شده‌ای بود، ولی شک و تردید درباره ضرار وجود دارد. «۱»

نقد دیدگاه ابن حجر ... ص: ۷۹

با توجه به آن چه گذشت، ابن حجر با آن که درباره لقب عباعبی و لقب راوی وی (عبدالوهّاب) تردید دارد، اما تلاش می کند تا عباعبی را فردی معروف و شناخته شده، جلوه دهد. امّا باید گفت که ابن حجر در این تلاش خود، ناکام مانده است؛ چرا که برای اثبات شناخته بودن عباعبی، سندی ارائه نکرده و او را مورد ستایش قرار نداده است؛ چرا که دانستن این مسئله که عباعبی در فلان منطقه به پیشه معلمی اشتغال

---

(۱). لسان المیزان: ۳/ ۲۵۰

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۸۰

داشته و در فلان سال از دنیا رفته است، ناشناخته بودن را از او سلب نمی کند؛ زیرا که در این صورت نه ذهبی، نه خطیب بغدادی-

که با یک واسطه از او روایت کرده است- و نه ابن جوزی- که با یک واسطه از خطیب روایت کرده است- هیچ کدام او را فردی مجهول و ناشناخته معرفی نمی کردند!

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۸۱

فضایل ناهمگون ... ص: ۸۱

اشارهٔ

دوازدهمین حدیث در فضایل و ترتیب خلفا را ترمذی نقل کرده است وی از علی علیه السلام این گونه نقل کرده که پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود:

خداوند ابوبکر را رحمت کند، دخترش را به عقد من درآورد، مرا به مرکز هجرت (مدینه) رهنمون شد و بلال را با ثروت خود آزاد کرد. هیچ ثروتی به اندازه ثروت ابوبکر در راه اسلام، برای من سودمند نبوده است.

خداوند عمر را رحمت کند که حق را می گوید گرچه تلخ باشد.

حق او را ترک گفت، اما دوست دیگری برای خود نیافت.

خداوند عثمان را رحمت کند که فرشتگان از او شرم دارند. او «جیش العسره» «۱» را تجهیز کرد و مسجد ما را آن قدر گسترش داد که

---

(۱). ارتش اعزامی به تبوک را «جیش العسره» می‌نامند، چرا که اعزام این ارتش در دوران‌قحطی، خشک سالی و کمبود ارزاق روی داد

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۸۲

ظرفیت همه ما را داشته باشد.

خداوند، علی را رحمت کند. خدایا! هر جا که رود حق را با او همراه گردان. «۱» جلال الدین سیوطی این حدیث را از ترمذی نقل کرده و آن را صحیح دانسته است. «۲»

مختار بن نافع راوی این حدیث ... ص: ۸۲

از راویان این حدیث، به مختار بن نافع می‌توان اشاره کرد که راوی شناسان او را نپذیرفته‌اند.

ابوزرعه درباره او می گوید: احادیث وی، سست و ضعیف است.

بخاری، نسائی و ابوحاتم می گویند: احادیث مختار ناشناخته است.

نسائی در جای دیگری می گوید: مختار فرد مورد اعتمادی نیست.

ابن حبّان می گوید: مختار احادیث ناشناخته را از زبان مشاهیر نقل می کرد، به گونه‌ای که به ذهن خطور می کند که وی از روی عمد این

---

(۱). سنن ترمذی: ۵/ ۲۹۷، حدیث ۳۷۹۸

(۲). الجامع الصّغیر: ۲/ ۹، حدیث ۴۴۱۲، حرف راء

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۸۳

کار را انجام داده است.

ابواحمد حاکم می گوید: از نظر علما، مختار بن نافع، در نقل حدیث قوی نیست.

ساجی می گوید: احادیث مختار ناشناخته است. «۱» با توجه به آن چه گفته شد، حافظانِ حدیث، این حدیث را در شمار احادیث باطل و مردود ذکر کرده‌اند. برای نمونه ابن جوزی می گوید: مختار بن نافع تمیمی روایتی را از ابوحیّان، از پدرش، از علی علیه السلام نقل می کند که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود...

ابن جوزی در ادامه می گوید: این حدیث، با نام «مختار» معروف شده است. بخاری می گوید: مختار، احادیث ناشناخته نقل می کند.

ابن حبّان می گوید: مختار، احادیث ناشناخته را از زبان مشاهیر نقل می کرد؛ به گونه‌ای که به ذهن خطور می کند که وی از روی عمد این کار را انجام داده است. «۲» ذهبی درباره او می گوید: مختار بن نافع، از ابوحیّان تمیمی به نقل حدیث پرداخته است.

---

(۱). تهذیب التهذیب: ۱۰/ ۶۳

(۲). العلل المتناهیه: ۱/ ۲۵۵ و ۲۵۶

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۸۴

نسائی و دیگران می گویند: مختار بن نافع، راوی ثقه و مورد اعتمادی نیست.

ابن حبّان می گوید: احادیث وی، بسیار ناشناخته است.

احمد بن عبدالرحمان کزبرانی می گوید: مختار بن نافع، از ابوحیّان، از پدرش، از علی علیه السلام این حدیث را به صورت مرفوع نقل می کند که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود: خداوند، ابوبکر را رحمت کند ... و آن گاه بقیه حدیث را ذکر می کند.

بخاری می گوید: احادیث مختار بن نافع، ناشناخته بوده و کنیه وی ابواسحاق است. «۱» بر این اساس، مناوی در شرح خود می نویسد:

نگارنده، صحّت این حدیث را مورد اشاره قرار داده است، اما ادّعای وی درست نیست؛ چرا که ابن جوزی این حدیث را در شمار احادیث سست و ضعیف قرار داده و می گوید: این حدیث با نام مختار، معروف شده است. بخاری می گوید: احادیث مختار، ناشناخته است.

ابن حبّان می گوید: مختار احادیث ناشناخته را از زبان مشاهیر نقل می کند، به گونه‌ای که به ذهن خطور می کند وی از روی عمد این کار را

---

(۱). میزان الاعتدال: ۶/ ۳۸۶

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۸۵

انجام داده است...

از طرف دیگر در میزان الاعتدال آمده است: احادیث مختار بن نافع، بسیار ناشناخته است. صاحب کتاب میزان الاعتدال در ادامه، این حدیث را در شمار احادیث ناشناخته مختار بن نافع آورده است. «۱»

---

(۱). فیض القدیر: ۴/ ۲۵

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۸۶

نوشتاری بر روی برگ‌های درختان بهشتی ... ص: ۸۶

اشارهٔ

سیزدهمین حدیث در فضایل و ترتیب خلفا را طبرانی، ابونعیم اصفهانی، ابن عدی، خطیب بغدادی و علمای دیگر اهل سنّت از ابن عبّاس نقل کرده‌اند.

خطیب بغدادی می‌نویسد:

ابن عباس می‌گوید: رسول خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود:

بر روی تک تک برگ‌های درختان بهشت این گونه نوشته شده است: «محمد رسول اللّه، ابوبکر صدّیق، عمر فاروق، عثمان ذو النورین». «۱»

---

(۱). تاریخ بغداد: ۵/ ۲۰۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۸۷

حدیث ساختگی و دیدگاه برخی از علما ... ص: ۸۷

ابن جوزی در بخش فضایل سه خلیفه ابوبکر، عمر و عثمان چند روایت نقل کرده است.

وی حدیث نخست این بخش را از عبدالرحمان بن محمد قزّاز، از احمد بن علی بن ثابت، از قاضی ابوالفرج محمد بن احمد بن حسن شافعی ... از مجاهد، از ابن عبّاس نقل می‌کند که رسول خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود: بر روی تک تک برگ‌های درختان بهشت، نوشته شده است ...

ابوحاتم بن حبّان درباره این حدیث می‌گوید: این حدیث، باطل و ساختگی است. علی بن جمیل، حدیث جعل می‌کرد و به هیچ روی، نقل روایت از او جایز نیست.

ابواحمد بن عدی می‌گوید: هیچ کس جز علی بن جمیل، این حدیث را از جریر روایت نکرده است و او همان است که به نقل احادیث باطل از زبان راویان ثقه و مورد اعتماد می‌پردازد. بنابراین او سارق احادیث، بود. «۱» ذهبی می‌گوید:

علی بن جمیل رقّی، از جریر بن عبدالحمید و عیسی بن یونس

---

(۱). الموضوعات: ۱/ ۲۵۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۸۸

روایت کرده است. ابن حبّان او را تکذیب می‌کند و دارقطنی و دیگران، او را در نقل حدیث ضعیف می‌دانند. علی بن جمیل، از جریر از لیث از مجاهد از ابن عباس روایت می‌کند که پیامبر صلی اللّه علیه وآله فرمود:

هنگامی که در معراج، مرا به آسمان بردند...

شیخ ناشناخته‌ای به نام «معروف بن ابی معروف بلخی»، همانند علی بن جمیل، این حدیث را از قول جریر نقل کرده است. «۱» جلال الدین سیوطی درباره این حدیث و راوی آن می‌گوید:

طبرانی حدیثی را این گونه آورده است: سعید بن عبدربّه صفّار بغدادی، از علی بن جمیل رقّی، از جریر بن عبدالحمید، از لیث، از مجاهد حدیثی را به صورت مرفوع از ابن عباس، نقل می‌کند که پیامبر صلی اللّه علیه وآله فرمود:

هیچ درختی در بهشت نیست مگر این که بر روی برگ‌های آن نوشته شده است...

ابن حبّان می گوید: این حدیث جعلی است و علی بن جمیل، حدیث جعل می کرد.

آن گاه سیوطی می‌افزاید: ابونعیم اصفهانی این حدیث را در الحلیه،

---

(۱). میزان الاعتدال: ۵/ ۱۴۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۸۹

از قاضی ابواحمد بن محمد، از احمد بن حسن بن عبدالملك، از علی بن جمیل روایت کرده است.

ختلی در کتاب الدیباج می‌نویسد: قاسم بن ابی علی کوفی، از عبدالعزیز بن عمرو خراسانی، از جریر رازی، از لیث، از مجاهد، از ابن عباس، این روایت را به صورت مرفوع نقل کرده است.

ذهبی در المیزان می‌نویسد: عبدالعزیز فرد ناشناخته‌ای است و این حدیث باطل است. پس همین، آفت این حدیث است.

ابن عدی می گوید: احمد بن عامر برقعیدی، از معروف بلخی در دمشق، از جریر، از لیث، از مجاهد، از ابن عبّاس این روایت را به صورت مرفوع نقل کرده است.

آن گاه ذهبی می‌نویسد: این حدیث، جعلی و ساختگی است. «۱»

---

(۱). اللآلی المصنوعه: ۱/ ۲۹۲ و ۲۹۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۹۰

خلفا در روز رستاخیز ... ص: ۹۰

اشارهٔ

چهاردهمین حدیث در فضایل و ترتیب خلفا را گروهی از حافظانِ حدیث نقل کرده‌اند.

ابن جوزی در شمار دومین حدیث می گوید: هبهٔ اللّه بن محمد بن حصین، از ابوطالب بن غیلان، از ابوبکر شافعی، از محمد بن عثمان بن ابی شیبه، از حسن بن صالح، از حسن بن حسن نَرسی، از اصبغ بن فرج، از بیع بن محمد، از ابوسلیمان أیلی، از ابن جریج، از عمرو بن دینار نقل می کند که ابن عباس می گوید: رسول خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود:

آن گاه که روز قیامت فرا رسد، یکی از منادیان در زیر عرش فریاد می‌زند: کجا هستند اصحاب محمّد؟

در این هنگام ابوبکر، عمر بن خطّاب، عثمان بن عفّان و علی را می‌آورند. به ابوبکر گفته می‌شود: بر در بهشت بایست، هر که را

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۹۱

می‌خواهی به واسطه رحمت خدا، وارد بهشت کن و هر که را می‌خواهی با علم خدای متعال از ورود به بهشت باز دار!

به عمر گفته می‌شود: بر روی ترازو بایست، کفّه هر که را می‌خواهی به واسطه رحمت خداوند، سنگین کن و کفّه هر که را می‌خواهی با علم خداوند، سبك گردان!

پیامبر صلی اللّه علیه وآله ادامه داد: و دو لباس فاخر برای عثمان بن عفّان می‌آورند و به او گفته می‌شود: این دو لباس فاخر را بپوش که من در هنگام آفرینش آسمان‌ها و زمین، این دو لباس را آفریده و ذخیره کردم.

و عصایی از درخت عوسج که خداوند متعال آن را در بهشت آفریده است به علی بن ابی‌طالب عطا می گردد و به او گفته می‌شود:

با این، مردم را از کنار حوض، دور کن!

ابن جوزی پس از نقل این حدیث می‌نویسد:

این حدیث را اصبغ، از سلیمان بن عبدالأعلی، از ابن جریج؛ هم‌چنین اصبغ، از سری بن محمّد، از ابوسلیمان أیلی، از ابن جریج، نقل کرده است.

این امر نشان می‌دهد که اصبغ یا دیگر راویان این حدیث، دچار پریشان گویی شده‌اند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۹۲

در سند این حدیث، نام برخی افراد ناشناخته به چشم می‌خورد.

احمد بن حسن کوفی این روایت را از وکیع نقل کرده است.

دارقطنی می گوید: وی، متروک است.

ابن حبّان می گوید: وی از زبان راویان ثقه و مورد اعتماد، حدیث جعل می کند.

ابراهیم بن عبداللَّه مصیصی نیز این روایت را از حجّاج بن محمد، از ابن جریج نقل کرده است.

ابن حبّان می گوید: ابراهیم به سرقت احادیث می‌پرداخت و در آن‌ها تصرّف می کرد. وی از زبان راویان ثقه و مورد اعتماد، روایاتی را نقل می کند که جزء احادیث آن‌ها نیست؛ بنابراین جای آن دارد که ابراهیم در شمار افرادی که روایت آنان ترک می‌شود، قرار گیرد. «۱»

حدیث ساختگی و دیدگاه ذهبی و عسقلانی ... ص: ۹۲

ذهبی در میزان الاعتدال، پس از ذکر نام ابراهیم بن عبداللَّه، به شرح حال او می‌پردازد و در شرح حال او به دو حدیث- که در این مبحث، یکی از آن‌ها را نقل کردیم- اشاره می کند و می گوید: به نظر من این مرد دروغ پرداز است. حاکم نیشابوری می گوید: احادیث وی، جعلی و

(۱). الموضوعات: ۱/ ۳۰۲ و ۳۰۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۹۳

ساختگی است.

حاکم می گوید: ابراهیم، از وکیع، از سفیان، از عمرو بن دینار، از ابن عبّاس، این حدیث را به صورت مرفوع نقل می کند که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

آن گاه که روز قیامت فرا رسد، ابوبکر، در یکی از ارکان حوض، عمر در رکن دوم، عثمان در رکن سوم و علی در رکن چهارم قرار می گیرند و هر کس، یک نفر از آنان را دشمن بدارد، دیگران او را سیراب نخواهند کرد.

ابراهیم، از حجّاج، از ابن جریج، از عمرو بن دینار، از ابن عباس حدیثی را به صورت مرفوع نقل می کند که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

آن گاه که روز قیامت فرا رسد، یکی از منادیان در زیر عرش فریاد می‌زند: اصحاب محمد را بیاورید!

پس ابوبکر، عمر، عثمان و علی را می‌آورند «... ۱» ابن حجر عسقلانی نیز در لسان المیزان، از دیدگاه ذهبی پیروی می کند و در شرح حال ابراهیم، به دو حدیث مذکور اشاره می کند و به دروغ گو بودن ابراهیم بن عبداللَّه حکم می کند. «۲»

(۱). میزان الاعتدال: ۱/ ۱۶۰ و ۱۶۱

(۲). لسان المیزان: ۱/ ۱۶۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۹۵

احادیث ساختگی و سخن پایانی ... ص: ۹۵

آن چه گذشت، بخش کوچکی از احادیث جعلی و ساختگی بسیاری بود که در فضایل خلفا نقل شده است. برخی از پژوهش گران اهل سنّت، بخشی از احادیث جعلی و ساختگی را در کتاب‌های مربوط به روایات ساختگی ذکر کرده‌اند که از این کتاب‌ها می توان به الموضوعات ابن جوزی، الکامل ابن عدی، میزان الاعتدال ذهبی، اللآلی المصنوعه جلال الدین سیوطی، لسان المیزان ابن حجر عسقلانی و تنزیه الشریعه ابن عرّاق اشاره نمود.

با این همه، پژوهش گران مذکور از جعلی دانستن احادیثی که در صحاح ششگانه به ویژه صحیح بخاری و مسلم آمده است، خودداری می کنند؛ چرا که این دو کتاب صحیح بخاری و مسلم در نزد آنان دارای منزلت و عظمت والا و فراوانی هستند.

ما در پژوهش‌های خود به تحقیق پیرامون بخشی از روایاتی که

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۹۶

در صحیح بخاری و مسلم آمده است، پرداخته‌ایم تا این نکته را روشن سازیم که این دو کتاب نیز همانند کتاب‌های دیگر، احادیث صحیح و ناصحیح را در خود جمع کرده‌اند. ما در کتاب‌های مختلف خود- که منتشر نیز شده است- با کمی تفصیل درباره این موضوع بحث کرده‌ایم.

خدا را بر این امر سپاس گزاریم.

به هر حال، این احادیث، باطل و ساختگی هستند و ذکر آن‌ها، چه در صحیح بخاری و مسلم و چه در دیگر کتاب‌ها، حقیقت را تغییر نمی‌دهد...

البته هدف جاعلان از ساختن و پرداختن این احادیث، بر آگاهان پوشیده نیست؛ چرا که اهل سنّتِ طرفدارانِ خلافت، خوب می‌دانند که پس از رحلت پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله چه اتفاقی افتاد و نیک آگاهند که خداوند، حجّتی برای اثبات گفته‌های آنان نازل نکرده است. بنابراین چه در گذشته و چه در زمان حال، احساس کرده و می کنند که خلافت و مراتب بدعت آمیز آنان ناگزیر باید توجیه شود...

اما ... هرگز یک عطّار نمی‌تواند آن چه را که روزگار فاسد کرده، اصلاح نماید...

و درود خدا بر حضرت محمّد و خاندان پاک او باد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۹۹

کتابنامه ... ص: ۹۹

۱. إحیاء علوم الدّین: ابوحامد غزالی، دار المعرفه، بیروت، لبنان.

۲. الإستیعاب فی معرفهٔ الأصحاب: ابن عبدالبرّ، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

ت

۳. تاریخ بغداد: خطیب بغدادی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷.

۴. تحف العقول: ابن شعبه الحرانی، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، ایران، چاپ چهارم، سال ۱۴۱۶.

۵. تدریب الراوی: جلال الدین سیوطی، دار الکتاب العربی، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۴.
۶. تقریب التهذیب: ابن حجر عسقلانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۵.
۷. تلخیص المستدرک علی الصحیحین: ذهبی، دار المعرفه، بیروت، لبنان.
۸. تهذیب التهذیب: ابن حجر عسقلانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۱۰۰

ج

۹. الجامع الصغیر: جلال الدین سیوطی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۰.

خ

۱۰. الخصائص: نَسایی، مجمع إحیاء الثقافهٔ الإسلامیهٔ، قم، ایران، چاپ یکم، سال ۱۴۱۹.

س

۱۱. سنن ابن ماجه: ابن ماجه قزوینی، دار الجیل، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۸.
۱۲. سنن ابی داود: ابی داوود، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۶.
۱۳. سنن تِرمذی: محمّد بن عیسی بن سوره تِرمذی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۰۳.

ش

۱۴. شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید معتزلی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۳۸۷.
۱۵. الشفاء بتعریف حقوق المصطفی: قاضی عیاض، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۱۰۱

ص

۱۶. صحیح بُخاری: محمّد بن اسماعیل بُخاری جُعفی، دار ابن کثیر، دمشق، بیروت، یمامه، چاپ پنجم، سال ۱۴۱۴.
۱۷. صحیح مُسلم: مُسلم نیشابوری، مؤسسه عز الدین و دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۰۷.

ض

۱۸. الضعفاء والمتروکون: احمد بن شعیب نسائی، دار القلم، بیروت، لبنان.

ع

۱۹. العلل المتناهیه فی الأحادیث الواهیه: ابن جوزی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۰۳.
۲۰. عمدهٔ القاری: بدر الدین عینی، دار الفکر، و دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.

ع

۲۱. فیض القدیر: محمّد بن عبدالرؤوف مَناوی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۱۰۲

ک

۲۲. الکاشف عن اسماء الرجال الکتب السته: ذهبی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۸.
۲۳. کنز العُمّال: متّقی هندی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۹.

ل

۲۴. اللآلی المصنوعه فی الأحادیث الموضوعه: جلال الدین سیوطی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷ ه.

۲۵. لسان المیزان: ابن حجر عسقلانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۶.

م

۲۶. مجمع الزوائد: هیثمی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

۲۷. المستدرک علی الصحیحین: حاکم نیشابوری، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۱.

۲۸. المغنی فی الضعفاء: ذهبی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۸.

۲۹. الموضوعات: ابن جوزی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، احادیث‌ساختگی، ص: ۱۰۳

۳۰. میزان الإعتدال: ذهبی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۶.

ن

۳۱. نسیم الریاض فی شرح شفاء القاضی عیاض: شهاب الدین خفاجی، دار الفکر، بیروت، لبنان.

و

۳۲. وفیات الأعیان: شمس الدین احمد بن محمّد بن خَلّکان، دار صادر، بیروت، لبنان.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی

ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».